

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روایاتی که مربوط به صلوة خلف عامه بود خواندیم و عرض کردیم مفاد این اخبار دلالت دارند بر تشویق و ترغیب برای حفظ وحدت به آن ترتیبی که عرض شد و از آن اخبار استفاده می شود عملی که تقیة ایتان شود مجزی می باشد و اعاده و قضا ندارد ، و اما روایاتی داریم که دلالت دارند بر این که این کار جنبه سیاسی دارد نه اینکه ما به سنی ها به دید قداست نگاه کنیم ، این روایات در باب ۱۰ از ابواب صلوة جماعت ذکر شده اند .

خبر اول از این باب ۱۰ این خبر است : « محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد ، عن عبدالله بن محمد الحجاج ، عن ثعلبة ، عن زرارة قال : سألت أبا جعفر (ع) عن الصلاة خلف المخالفين ؟ فقال : ما هم عندی إلا بمنزلة الجدر » . خبر سندا صحیح می باشد و حضرت فرموده اند پشت سر آنها نماز بخوانید البته در تمامی روایات گفته شده پشت سر آنها نماز بخوانید و در هیچیک از آنها گفته نشده که به آنها اقتدا کنید و در این روایت هم حضرت فرموده اند که آنها به منزله جدران می باشند پس بحث در این است که ما شکی نداریم که ائمه (ع) ما را تشویق و ترغیب کرده اند که پشت سر آنها نماز بخوانیم ولی ما را امر به اقتداء به آنها نکرده اند .

بحث دیگری که در جلسات قبلی انجام دادیم این بود که آیا مندوحه و یا عدم مندوحه معتبر است یا نه که عرض کردیم به نظر ما قید عدم مندوحه معتبر نیست و همچنین عرض کردیم به نظر ما و با توجه به روایات می فهمیم عملی که تقیة انجام شده مجزی است و نیاز به اعاده و قضا ندارد البته مسئله مختلف فیه بود و گفتیم که از جمله کسانی که اصرار دارد عمل تقیة ای مجزی نیست سید عبد الاعلی سبزواری می باشد ایشان این مطلب را در ص ۱۶ از جلد ۲ مذهب الاحکام بیان می فرمایند .

بحث دیگر این است که ما تقیة را به سه قسم تقسیم کردیم ؛ تقیة خوفیه اضطراریه و تقیة کتمانیه و تقیة مداراتیه ولی بعضی از فقهای ما اصلاً تقیة مداراتیه را قبول ندارند و بحث آن را مطرح نکرده اند من جمله شیخ انصاری (ره) که در رساله فی التقیة که در مکاسب هم چاپ شده است تقیة را منحصر در تقیة خوفیه اضطراریه می داند و اصلاً از اقسام دیگر تقیة بحث نمی کند ، و همچنین فقیه همدانی در ص ۱۶۶ از کتاب الطهاره و مرحوم بجنوردی در جلد ۵ قواعد الفقهیه و آقای حکیم در ص ۱۰۴ از جلد ۲ مستمسک منکر تقیة مداراتیه می باشند بنابراین مسئله اختلافی است و این بحث یک بحث اجتهادی می باشد فلذا بستگی دارد که شما از روایات چگونه استفاده و اجتهاد کنید ، تنها کسی که با صراحت می فرماید که حتی در غیر از مقام خوف هم باید با آنها مدارات کنیم حضرت امام (ره) می باشد و ما هم همین را می گوئیم زیرا هر وقت که فاصله ما با آنها زیاد شده ضررش به ما و نفعش به دشمنان اسلام رسیده است و ما وقتی که تاریخ اسلام و تشیع را مطالعه می کنیم می بینیم که ضررهای بسیار زیاد و جبران ناپذیری به شیعه به خاطر دوری از اهل سنت و اختلاف با آنها وارد شده است فلذا اهل بیت (ع) به ما فرموده اند که با آنها معاشرت داشته باشیم و در مجالس و محافلشان شرکت نکنیم تا اینکه از شدت بغض و کینه آنها نسبت به ما کاسته شود بنا براین ما باید از لحاظ سیاسی با آنها مدارات کنیم ، دو نفر از فقهای معاصر تاکید فراوانی بر تقیة مداراتیه دارند یکی حضرت امام رضوان الله علیه و دیگری آقای خوئی (ره) می باشد که ایشان در ص ۳۱۴ از جلد ۴ التنقیه مفصلاً درباره تقیة بحث کرده است ، بنابراین بحث در این است که آیا ما تقیة مداراتیه داریم یا نداریم ؟ بعضی ها مثل سید عبد الاعلی سبزواری و علامه بجنوردی می فرمایند که داریم ولی منحصر در آن زمانی بوده که سنی ها قدرت و شوکت و عظمت داشته اند ولی شیعه در اقلیت به سر می برده ولی ما و بعضی دیگر از فقها می گوئیم که منحصر به زمان خاصی نیست ، و بحث دیگر بحث اجزاء و دیگری بحث عدم مندوحه بود که با توفیق پروردگار انجام شد .

خوب حضرت امام (ره) در ص ۱۹۵ از رساله فی التقیة بحثی را درباره وقوفین مطرح می کنند و می فرمایند که نزدیک به ۲۰۰ سال بعد از فوت پیغمبر (ص) همیشه شیعیان با سنی ها وقوف می کرده اند در حالی که مسلماً در اول و آخر ماه با آنها اختلاف داشته اند ولی معلوم می شود که مداراتاً و برای حفظ وحدت با آنها وقوف می کرده اند چرا که از شئون سلطنت و امارت که دست آنها بوده بحث وقوف بوده و هیچ وقت اهل بیت (ع) در طول این سالها نفرموده اند که حجتان را اعاده و یا قضا کنید و بعد حضرت امام (ره) می فرمایند که گاهی جهال شیعه علاوه بر اعمالی که با آنها انجام می دادند خودشان پنهانی دوباره آن اعمال را انجام می دادند که ایشان می فرمایند این کار درست نیست زیرا باعث تشدید اختلاف با آنها می شود خلاصه یکی از کسانی که بسیار اصرار دارد بر تقیه مداراتیه در هر زمانی حضرت امام (ره) می باشد .

خوب بحث دیگر این است که آیا این تقیه مداراتاتی که ما با آنها انجام می دهیم انحصار دارد در اعمال اجتماعی مثل وقوف در مشعر و منی و نماز جماعت و امثال اینها یا اینکه شامل اعمال غیر اجتماعی هم می شود؟ مثلاً آنها موقع غروب افطار می کنند آیا ما می توانیم با آنها موقع غروب افطار کنیم یا باید صبر کنیم تا ذهاب حمره اتفاق بیفتد؟ آقای خوئی می فرمایند که فقط مربوط به امور اجتماعی می باشد و در امور غیر اجتماعی معتبر نمی باشد ولی ظاهراً حضرت امام (ره) می فرمایند اعم از اجتماعی و غیر اجتماعی می باشد، خلاصه این بستگی به اجتهاد شما دارد که ببینید آیا فقط مربوط به امور اجتماعی است یا شامل امور غیر اجتماعی هم می شود....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین